

کرد می بر آید که تعداد فرزندان بیست و هشت است اینان فرزندان
 غیر وادی التری را و فرزندان جدا گانه سمانی آورده اند و آنرا که ششده
 فرزندان است و چندینند فرزندی غیر را از مدینه بزم فرزندان غیر و
 وادی التری یک فرزند است (۱)

حدود متصرفات اسلامی

در ادوار مختلف



مشتول بر متصرفات اسلامی
 در قرن اول و دوم :
 پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
 تهران، بهار ۱۳۸۵، ۳۰۵
 متصرفات زمان ابوبکر
 « عمر »
 « عثمان »
 « علی (ع) »
 « بنی امیه »

از دانشمند محترم :

منوچهر ستوده

آنها میباشد. همانطور که ملاحظه می شود حکم اشتقاق يك حکم الزامی نیست و کاملاً قابل انعطاف است. در موردی حکم مقتضی باشد بکلی میتوان از آن چشم پوشید (۱).

در دوران حیات پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله شرق و غرب عالم آن روزگار را دو نیروی بزرگ اداره میکرد، یکی دولت روم شرقی که بر سرزمینهای جنوبی اروپا و خاک ترکیه امروزی و شهرهای شمالی افریقا دست داشت و دیگر دولت ساسانیان که از يك طرف حدود متصرفاتش برود خانه سند و جیحون میرسید و از طرف دیگر بدریای عمان و خلیج فارس و رودخانه فرات منتهی میشد و از طرف مغرب هم با دولت روم شرقی همسایه بود. این دو نیرو در اثر کشمکشهای طولانی مدت با بود که رومضعف و ناتوانی میرفتند.

رسول اکرم که در مکه با مخالفت طایفه قریش روبرو شده بود از آنجا به یثرب (مدینه) رفت و با هواخواهی و پشتیبانی اهالی یثرب توانست بر این شهر تسلط پیدا کند و نخستین سنگ بنای نظامی و سیاسی و مذهب اسلام را در آنجا استوار کند. در این شهر بود که چراغ تابناک دین مبین اسلام جان تازه ای گرفت و نور آن توانست شرق و غرب عالم را روشنی بخشد.

چون پایگاه و مرکز برای پیشرفت و توسعه دین اسلام پیدا شد و طرف دارانی معتقد و پایدار پیدا کرد برای انقیاد و اطاعت مخالفان متعصب و وحشی راهی جز جنگ و تسلط نظامی نبود از اینرو رسول خدا دست بشمشیر برد و در بیست و هفت غزوه شخصاً شرکت کرد.

گروهی بر آنند که تعداد غزوات بیست و هشت است اینان غزوات
خیبر و وادی القری را دو غزوه جداگانه بحساب آورده اند و آنانکه شماره
غزوات را بیست و هفت دانند خروج پیغمبر را از مدینه بعزم غزوات خیبر و
وادی القری بک غزوه دانسته اند (۱)

شرح این غزوات را می توان در تمام کتب تواریخ اسلامی پیدا کرد و
بیان هر یک در اینجا بدر ازای سخن می افزاید از این رو فقط بذکر نام آنها می
پردازیم و برای توضیح بیشتر بمدار کی که در پائین صفحه ذکر شده است
میتوان مراجعه کرد .

غزوه بدر الاولى (۲) غزوة الابهواء (۳) غزوه ودان (۴) غزوه ذات
العشیره (۵) غزوه بدر الكبرى (۶) . غزوه بنی قینقاع (۷) غزوة السویق

(۱) التنبیه والاشراف صفحه ۲۴۱

(۲) طبری جزء ثانی صفحه ۱۲۲ - التنبیه والاشراف صفحه ۲۰۲ - ابن واضح
این غزوه را بدر الصغری و آنرا جزء غزواتی آورده است که در آنها خونریزی نشده
است - تاریخ البعقوبی جزء ثانی صفحه ۵۰

(۳-۴) طبری جزء ثانی صفحه ۱۲۳ ابن واضح این غزوه را جزء غزواتی آورده
که در آنها خونریزی نشده است تاریخ البعقوبی جزء اول صفحه ۵۰ - مسعودی «الابهواء»
و «ودان» را دو غزوه جداگانه دانسته است - التنبیه والاشراف صفحه ۲۰۲ ابوالفدا
ذکر می کند از این غزوه بیان نیاورده است .

(۵) طبری جزء ثانی صفحه ۱۲۳ - مسعودی این غزوه را «ذی العشیره» خوانده
است التنبیه والاشراف صفحه ۲۰۳ ابوالفدا ذکر می کند از این غزوه بیان نیاورده است
ابن واضح این غزوه را «ذی العشیره» نامیده و آنرا جزء غزواتی آورده است که در آنها
خونریزی نشد تاریخ البعقوبی جزء اول صفحه ۵۰ .

(۶) طبری جزء ثانی ۱۲۹ - ابن واضح این غزوه را «بدر المعظمی» خوانده است
تاریخ البعقوبی جزء ثانی صفحه ۳۳ - ابوالفدا این غزوه را بدر الكبرى نامیده است -
ابوالفدا جلد اول صفحه ۱۳۴ - مسعودی این غزوه را بنام «بدر المعظمی» میشناسد التنبیه
والاشراف صفحه ۲۰۴

(۷) طبری جزء ثانی صفحه ۱۷۲ - ابوالفدا جلد اول صفحه ۱۳۶ - التنبیه
والاشراف صفحه ۲۰۶ ابن واضح ذکر می کند از این غزوه نکرده است .

- (۸) غزوة القرده (۹)، غزوه احد (۱۰)، غزوه خندق (۱۱). غزوه بنی قریظه (۱۲). غزوه بنی لحيان (۱۳). غزوه ذی قرد (۱۴). غزوه بنی مصطلق (۱۵). غزوة الحديدیه (۱۶). غزوه خیبر (۱۷). غزوه وادی القری (۱۸). غزوه مؤته (گروهی مؤته را از سر ایادانسته اند نه از غزوات اصطلاحي)

- (۸) طبری جزء ثانی صفحه ۱۷۵ التنبیه والاشراف صفحه ۲۰۷- ابن واضح و ابوالفدا نامی از این غزوه نبرده اند
(۹) طبری جزء ثانی صفحه ۱۸۱
(۱۰) طبری جزء ثانی صفحه ۱۸۷ تاریخ یعقوبی جزء ثانی صفحه ۳۵- ابوالفدا جلد اول صفحه ۱۳۷ التنبیه والاشراف صفحه ۲۱۱
(۱۱) طبری جزء ثانی صفحه ۲۳۳ تاریخ یعقوبی جزء ثانی صفحه ۱۳۷ ابوالفدا و مسعودی ابن غزوه را بنام «غزوة الاحزاب» نیز خوانده اند ابوالفدا جلد اول صفحه ۱۴۱ التنبیه والاشراف ۲۱۶
(۱۲) طبری جزء ثانی صفحه ۲۴۵ تاریخ یعقوبی جزء ثانی ۳۹ ابوالفدا جلد اول صفحه ۱۴۲ التنبیه والاشراف صفحه ۲۱۷
(۱۳) طبری جزء ثانی صفحه ۲۵۴ التنبیه والاشراف صفحه ۲۱۸ ابن واضح و ابوالفدا این غزوه را نام نبرده اند.
(۱۴) طبری جزء ثانی صفحه ۲۵۵ ابوالفدا جزء اول صفحه ۱۴۴- التنبیه والاشراف صفحه ۲۱۸- ابن واضح ذکر این غزوه نکرده است.
(۱۵) طبری جزء ثانی صفحه ۲۶۰ تاریخ یعقوبی جزء ثانی صفحه ۴۰- ابوالفدا جلد اول صفحه ۱۴۴- التنبیه والاشراف صفحه ۲۱۵
(۱۶) طبری جزء ثانی صفحه ۲۷۰ تاریخ یعقوبی جزء ثانی صفحه ۴۰- ابوالفدا جلد اول صفحه ۱۴۵ التنبیه والاشراف صفحه ۲۲۱
(۱۷) طبری جزء ثانی صفحه ۲۹۸ تاریخ یعقوبی جزء ثانی صفحه ۴۳ ابوالفدا جلد اول صفحه ۱۴۷ التنبیه والاشراف صفحه ۲۲۲
(۱۸) طبری جزء ثانی صفحه ۳۰۳ در تاریخ یعقوبی و ابوالفدا و التنبیه والاشراف این غزوه جزو غزوه خیبر آمده است.

- (۱۹) غزوة الفتح (۲۰). غزوة هوازن (۲۱) که غزوة حنین نیز نامیده می شود. غزوة بنی النضیر (۲۲). غزوة قرقره الکدر (۲۳)؛ غزوة بواط (۲۴). غزوة حمراء الاسد (۲۵). غزوة ذات الرقاع (۲۶)، غزوة فرائ که غزوة فرع نیز گفته می شود (۲۷). غزوة نجد که بغزوة ذی امر معروف است (۲۸)، غزوة بدر الثالثة (۲۹). غزوة دومة الجندل (۳۰). غزوة تبوک (۳۱)

(۱۹) طبری جزء ثانی صفحه ۳۱۸ - تاریخ یعقوبی جزء ثانی صفحه ۴۹ التنبیه صفحه ۲۳۰ - ابوالفداء ذکری از این غزوه نکرده است

(۲۰) طبری جزء ثانی صفحه ۳۲۳ تاریخ یعقوبی جزء ثانی صفحه ۴۳ - ابوالفدا جلد اول صفحه ۱۵۰ - التنبیه و الاشراف صفحه ۲۳۱ :

(۲۱) طبری جزء ثانی صفحه ۳۴۴ - ابن واضح و ابوالفدا این غزوه را بنام غزوة حنین می شناسند - تاریخ یعقوبی جزء ثانی صفحه ۴۷ - ابوالفداء جلد اول صفحه ۱۵۳ - مسعودی نیز این غزوه را بهین نام شرح داده است ولی بجای «هوازن» «هوزان» ضبط کرده است. باین ترتیب: «هوزان و هو غزوة حنین» التنبیه و الاشراف صفحه ۲۳۴.

(۲۲) تاریخ یعقوبی جزء ثانی صفحه ۳۶ - ابوالفدا جلد اول صفحه ۱۴۰ التنبیه و الاشراف صفحه ۲۱۳

(۲۳) ابن واضح این غزوه را جزء غزواتی آورده است که در آنها خونریزی نشد تاریخ یعقوبی جزء ثانی صفحه ۵۰ - ابوالفدا جلد اول صفحه ۱۳۶ - التنبیه و الاشراف ص ۲۰۹

(۲۴) ابن واضح این غزوه را جزء غزواتی ذکر میکند که در آنها خونریزی نشد - تاریخ یعقوبی جزء ثانی صفحه ۵۰ - التنبیه و الاشراف ص ۲۰۲

(۲۵) ابن واضح این غزوه را جزء غزواتی ذکر میکند که در آنها خونریزی نشد - تاریخ یعقوبی جزء ثانی صفحه ۵۰ - التنبیه و الاشراف صفحه ۲۱۱.

(۲۶) ابوالفدا جلد اول صفحه ۱۴۰ - التنبیه و الاشراف صفحه ۲۱۴

(۲۷) التنبیه و الاشراف صفحه ۲۱۰ (۲۸) التنبیه و الاشراف صفحه ۲۱۰ (۲۹) التنبیه و الاشراف صفحه ۲۱۴ (۳۰) التنبیه و الاشراف صفحه ۲۱۴

(۳۱) طبری جزء ثانی صفحه ۳۶۶ - ابن واضح این غزوه را جزء غزواتی نام میبرد که در آنها خونریزی نشده است - تاریخ یعقوبی جزء ثانی صفحه ۵۰ - ابوالفدا جلد اول صفحه ۱۵۶

غیر از غر و اتیکه از سال اول هجری تا رجب سال نهم هجری شخصاً پیغمبر اکرم در آنها شرکت کرد مأموریت‌های جنگی و نظامی و سیاسی و ارشادی با شخصان برجسته نیز داده شده است *
 عده‌ای نیز بنام سفیر بکشورهای دیگر فرستاده شده‌اند تا ظهور و بسط دین اسلام را بگوش سران آن کشورها برسانند و آنانرا بقبول دین اسلام وادار کنند

جنگ‌هایی که بسر کردگی این نوع مأمورین انجام شده است بنام «سرایا» و «سوارب» خوانده شده‌اند

مأموریت‌های ارشادی نیز بنام «بعوث» ضبط شده است

در اینجهانیز برای اینکه سخن بدر از انکشد فقط بنام سران «سرایا» و «سوارب» و محل مأموریت آنان اکتفا میکنیم و خواننده را برای کسب اطلاع بیشتری بکتبی که در این باره نوشته شده است هدایت می‌نماییم

پیش از ذکر نام‌های سران جنگی و نظامی لازم میدانم که بخشی لغوی بمیان آید تا معانی بعضی از کلمات که در این مورد بکار رفته است روشن گردد: جنگ‌هایی را که در آنها از سه تن تا پانصد تن شرکت کنند و شب هنگام عازم جنگ شوند و بجزک بردازند «سرایا» خوانند تعداد شرکت کنندگان «سرایا» و «سوارب» یکی است ولی «سوارب» جنگ‌هایی است که هنگام روز بآنها اقدام شود قوله عزوجل: *ومن هو مستخف باللیل و سارب بالنهار* جنگ‌هایی که در آنها تعداد سر بازان بیش از پانصد و کمتر از هشتصد تن باشند «مناسر» نامیده میشود

اگر شماره سربازان بیش از هشتصد و کمتر از هزار تن شد
 «خشخاش» و اگر شماره سربازان به هزار رسید (جیش ازلم) و اگر
 بچهار هزار رسید «جیش جحفل» نامند و اگر شماره سربازان بدوازده
 هزار رسید (جیش جرار) نامیده میشود (۳۲).

اگر سربازان (سرایا و سوارب) بعد از حرکت متفرق شده و هر دسته
 کمتر از چهل تن باشند آنها را (جرائر) خوانند و اگر شماره سربازان
 از چهل تن تا سیصد تن باشد آنها را (مقانب) نامند و در صورتیکه
 شماره سربازان از سیصد تن تا پانصد تن باشد آن ها را (جمرات)
 گویند (۳۳).

مصنفین کتب تاریخ و سیر در شماره (سرایا و سوارب) اختلاف
 زیاد دارند عده ای تعداد آنها را به شصت و شش رسانده اند و گروهی
 تعداد آنها را بیشتر از پنجاه گفته اند محمد بن اسحاق و جمعی از اصحاب
 سیر و مغازی شماره آنها را بیشتر از سی و پنج ضبط نکرده اند و محمد
 بن عمرو اقدی تعداد آنها را چهل و هشت میداند. منشأ این اختلاف
 از اینجاست که سربیه هائی در ضمن غزوه هائی بوده است که بعضی آنها را
 تنها بحساب آورده و برخی آنها را جزء همان غزوه ها قرار داده اند (۳۴)

عده ای نیز بعضی از سرایائی را که بعد از فتح مکه برای ازین بردن
 بتها انجام شده است بحساب نیاورده اند. مسعودی در التنبیه و الاشراف
 شماره (سرایا و سوارب و بعوث) را تا هفتاد و سه رسانده است (۳۵) و ما هم

(۳۲ و ۳۳) التنبیه و الاشراف صفحه ۲۴۳

(۳۴) التنبیه - صفحه ۲۴۲ (۳۵) التنبیه و الاشراف صفحه ۲۴۲

در اینجا فهرست مانند ذکر از آنها بمیان می آوریم

سریه حمزه بن عبدالمطلب که مأمور ساحل بحر قلزم شده اند

(۳۶) سریه ای بسر کردگی سعد بن ابی وقاص که مأمور «المخرار» در جحفه

شده اند (۳۷) سریه ای بسر کردگی حمزه بن عبدالمطلب که ساحل بحر

بناحیه «العیص» رفته اند (۳۸) سریه ای بسر کردگی عبد الله بن

جحش بن رئاب که به «نخله» رفته اند (۳۹) سریه ای بسر کردگی

هرئد بن ابی مرثد حلیف حمزه بن عبدالمطلب که به «جمع» مأمور

شده اند (۴۰) سریه ای بسر کردگی زید بن حارثه الکلبی که مأمور

«قرده شده اند» (۴۱) سریه ای بسر کردگی زید بن حارثه که مأمور

«ججوم» (جموم) شده اند (۴۲) جیشی بسر کردگی زید بن حارثه

که مأمور «جذام» در «حسمی» شده اند (۴۳)

جیشی بسر کردگی زید بن حارثه که مأمور وادی القرای شده اند

(۴۴) جیشی بسر کردگی زید بن حارثه که مأمور «طرف» شده اند

تا «بنی ثعلبه» را سر کوبی کنند (۴۵) سریه ای بسر کردگی زید بن حارثه

(۳۶) تاریخ یعقوبی صفحه ۵۲

(۳۷) تاریخ یعقوبی صفحه ۵۳ (۳۸) تاریخ یعقوبی صفحه ۵۳

(۳۹) تاریخ یعقوبی صفحه ۵۳ - التنبیه والاشراف صفحه ۲۰۳

(۴۰) تاریخ یعقوبی صفحه ۵۴

(۴۱) تاریخ یعقوبی صفحه ۵۴ - التنبیه والاشراف صفحه ۲۱۰

(۴۲) تاریخ یعقوبی صفحه ۵۵ - التنبیه والاشراف صفحه ۲۱۹

(۴۳) تاریخ یعقوبی صفحه ۵۵ - التنبیه والاشراف صفحه ۲۱۹

(۴۴) تاریخ یعقوبی صفحه ۵۵ - التنبیه والاشراف صفحه ۲۱۹

(۴۵) تاریخ یعقوبی صفحه ۵۵ - التنبیه والاشراف صفحه ۲۱۹

که به «العیص» مأمور شده اند (۴۶). سربه ای بسر کردگی جعفر بن ابی طالب و زید بن حارثه و عبدالله بن رواحه. مأمور «بلقاء» در خاک شام شده اند (۴۷). غالب بن عبدالله کنانی مأمور ارشاد «بنی مدلیج» شده است (۴۸) و نميلة بن عبدالله الیثمی بارشاد «بنی ضمرة» مأمور شد (۴۹) عمرو بن امیه الضمری بارشاد «بنی الدیل» مأموریت پیدا کرد (۵۰) عبدالله بن سهیل بن عمرو العامری بارشاد «بنی العیص» مأمور شد (۵۱) جیشی بسر کردگی ابو عبیده بن الجراح مأمور «ذات العقبه» شد (۵۲) جیشی بسر کردگی عمر الخطاب به «زبیه» مأمور شدند (۵۳) جیشی بسر کردگی علی بن ابیطالب رضی الله عنه مأمور «فدک» شد (۵۴) سربه ای بسر کردگی ابو العوجاء السلمی که تمام سربازانش شهید شدند (۵۵). سربه ای بسر کردگی عکاشة بن محسن بن حرثان الاسدی و اسد بن خزیمه که مأمور «الغمره» شده اند (۵۶) سربه ای بسر کردگی ابوسلمة بن عبدالاسد بن هلال المخزومی که مأمور «قطن» شده اند (۵۷)

۴۶ > التنبيه والاشراف - صفحه ۲۱۹ - م انسان

۴۷ > تاریخ یعقوبی - ۵۶ - التنبيه والاشراف - ۲۳۰

۴۸ > تاریخ یعقوبی - ۵۶ - ۴۹ > تاریخ یعقوبی - ۵۷

۵۰ > تاریخ یعقوبی - ۵۷ - ۵۱ > تاریخ یعقوبی - ۵۷

۵۲ > تاریخ یعقوبی - ۵۸ - التنبيه والاشراف - ۲۱۹

۵۳ > تاریخ یعقوبی - ۵۷

۵۴ > تاریخ یعقوبی - ۵۸ - التنبيه والاشراف - ۲۱۹

۵۵ > تاریخ یعقوبی - ۵۸

۵۶ > تاریخ یعقوبی - ۵۸ - التنبيه والاشراف - ۲۱۹

۵۷ > تاریخ یعقوبی - ۵۸ - التنبيه والاشراف - ۲۱۲

جیشی بسر کردگی نخل بن مسلمة الانصاری که مأمور «قرطاء» شده اند
 (۵۸) سریه ای بسر کردگی بشیر بن سعد الانصاری که مأمور «فدک»
 شده اند (۵۹). سریه ای بسر کردگی بشیر بن سعد الانصاری که مأمور
 «فروجان» از سرزمین خیبر شده اند (۶۰) سریه ای بسر کردگی عبدالله
 بن رواحه الانصاری که دو بار مأمور «خیبر» شده اند (۶۱) عبدالله بن
 انیس الانصاری برای سرکوبی خالد بن سفیان مأمور شده است (۶۲) جیشی
 بسر کردگی عینة بن حصن بن حذیفة بن بدر الفزاری مأمور «بلعنبر» شدند
 (۶۳) سریه ای بسر کردگی کعب بن عمیر الانصاری مأمور «ذات أطلاح»
 شده اند (۶۴) جیشی بسر کردگی عمرو بن العاص مأمور «ذات السلاسل» در
 سرزمین شام شده اند (۶۵) سریه ای بسر کردگی عبدالله بن ابی حدر
 الاسلامی که مأمور «اضم» شده اند (۶۶) عبدالله بن ابی حدر الاسلامی که مأمور
 «الغابه» شد و رفاعة بن زید الجشمی را کشت (۶۷) سریه ای بسر کردگی
 عبدالرحمن بن عوف مأمور «کلب» شدند (۶۸) سریه ای بسر کردگی

(۵۸) تاریخ یعقوبی - ۵۸ - التنبیه والاشراف - ۲۱۸

(۵۹) تاریخ یعقوبی - ۵۸ - (۶۰) تاریخ یعقوبی - ۵۸

(۶۱) تاریخ یعقوبی - ۵۸ - التنبیه والاشراف - ۲۲۵

(۶۲) تاریخ یعقوبی - ۵۸ - التنبیه والاشراف - ۲۱۲

(۶۳) تاریخ یعقوبی - ۵۸

(۶۴) تاریخ یعقوبی - ۵۹ - التنبیه والاشراف - ۲۳۰

(۶۵) تاریخ یعقوبی - ۵۹ - التنبیه والاشراف - ۲۳۱

(۶۶) تاریخ یعقوبی - ۵۹ - التنبیه والاشراف - ۲۲۹

(۶۷) التنبیه والاشراف - ۲۲۹ > ۶۸ > تاریخ یعقوبی - ۵۹

عمیر بن عدی بن خرشة الاوسی که مأمور سرکوبی «عصماء» دختر مروان شدند (۶۹) سالم بن عمیر الانصاری مأمور دفع «أبی عفک» شد (۷۰) سربهای بسرکردگی محمد بن مسلمة الانصاری مأمور سرکوبی کعب بن الاشرف الیهودی شد (۷۱) منذر بن عمرو الانصاری برای ارشاد اهل نجد فرستاده شد (۷۲) عاصم بن ثابت بن ابی الاقلح الانصاری مأموریت ارشاد پیدا کرد (۷۳) سربهای بسرکردگی عمرو بن امیة الضمری و سلمة بن اسلم بن حریش برای دفع ابی سفیان مأمور مکه شدند (۷۴) سربهای بسرکردگی ابو عیبة بن جراح الفحری به «سیف البحر» مأمور شدند (۷۵). سربهای بسرکردگی سعد بن عبادة الخزرجی مأمور معالی بنام «غمیم» شدند (۷۶).

سربهای بسرکردگی ابو عیبة بن جراح که به کوههای «أجا» و «سلمی» مأمور شدند (۷۷). سربهای بسرکردگی محمد بن مسلمة الانصاری که به «ذی العقبة» مأموریت داشتند (۷۸). سربهای بسرکردگی عبد - الرحمن بن عوف که مأمور «دومة الجندل» شده اند (۷۹). زید بن حارثه

۲۰۶ - ۲۰۶ < ۷۰ > التنبیه والاشراف - ۲۰۶

۲۰۹ - ۲۰۹ < ۷۲ و ۷۳ > التنبیه والاشراف -

صفحه ۲۱۲.

۲۱۳ < ۷۴ > التنبیه والاشراف ۲۱۳ < ۷۵ > التنبیه والاشراف ۲۱۷

۲۱۸ < ۷۶ > التنبیه والاشراف ۲۱۸ (۷۷) التنبیه والاشراف ۲۱۹

۲۱۹ - ۲۱۹ < ۷۸ - ۷۹ > التنبیه والاشراف - ۲۱۹

مأمور شد که «امقرقه» از نواحی «وادی القری» راسر کوبی کند (۸۰).
 عبدالله بن عتیک مأمور شد که «ابی رافع» را در خیبر سر کوبی کند (۸۱).
 سربه ای بسر کردگی کرز بن جابر الفهری برای سر کوبی «عرنین»
 بناحیه «قبا» رفت (۸۲). سربه ای بسر کردگی عمر بن الخطاب به «تربة»
 رفت (۸۳). سربه ای بسر کردگی ابوبکر بناحیه «ضریه» رفت، تا بنی
 «کلاب» را سر کوبی کند (۸۴). غالب بن عبدالله الیشی با سربه ای مأمور
 ناحیه «النقره» شد (۸۵). بشیر بن سعید الانصاری با سربه ای به «یمن» و «جبار»
 رفت (۸۶). سربه ای بسر کردگی ابوالعوجاء سلمی مأمور سر کوبی بنی
 سلیم شدند (۸۷). سربه ای بسر کردگی محیصة بن مسعود مأمور «فدک»
 شدند (۸۸). سربه ای بسر کردگی غالب بن عبدالله الیشی مأمور دفع «بنی
 الملوح» در «کدید» شدند (۸۹). سربه ای بسر کردگی غالب بن عبدالله
 الیشی مأمور «فدک» شدند (۹۰). سربه ای بسر کردگی شجاع بن وهب
 الاسدی مأمور دفع «بنی عامر» در «زکیه» شدند (۹۱). سربه ای بسر کردگی
 ابو عبیده بن الجراح مأمور «جهینه» شدند (۹۲). سربه ای بسر کردگی
 ابو قتاده بن النعمان مأمور «خضرة الارض» شدند (۹۳). سربه ای بسر کردگی
 ابو قتاده بن النعمان برای دفع «بطن» اضم» رفتند (۹۴). سربه ای بسر
 کردگی اسامة بن زید بدو موضع «یبنی» و «ازدود» از خاک فلسطین رفتند

۸۰-۸۱-۸۲ < التنبیه و الاشراف - ۲۲۰ >

۸۳ و ۸۴ و ۸۵ < التنبیه و الاشراف ۲۲۷ > . ۸۶ < التنبیه و الاشراف

- ۲۲۸ >

۸۷-۸۸ < التنبیه و الاشراف - ۲۲۹ > ۹۰ - ۹۱ < التنبیه و

الاشراف - ۲۳۰ >

۹۲-۹۳-۹۴ < التنبیه و الاشراف - ۲۳۱ >

(۹۵). سریه‌ای بسر کردگی خالد بن ولید برای سر کوبی «بنی عبد الممدان مأموریت پیدا کردند» (۹۶) سریه‌ای بسر کردگی علسی بن ایطال لب رضی الله عنه به «یمن» رفت (۹۷)

سرایای اطراف مکه

سریه‌ای بسر کردگی خالد بن ولید مأمور خراب کردن بت‌عزی در نخلة الیمانیه شد (۹۸) سریه‌ای بسر کردگی عمرو بن العاص برای خراب کردن و از میان برداشتن «سواع» و مأمور «رهاط» شد (۹۹) سریه‌ای بسر کردگی سعد بن زید الاشجلی مأمور خراب کردن بتخانه «مناة» شد (۱۰۰). سریه‌ای بسر کردگی خالد بن سعید مأمور «عرنة» شد (۱۰۱) سریه‌ای بسر کردگی هشام بن العاص مأمور «یللم» شد (۱۰۲). سریه‌ای بسر کردگی طفیل بن عمرو الدوسی مأمور از میان بردن بت «ذی الکفین» شد (۱۰۳). سریه‌ای بسر کردگی خالد بن ولید مأمور بنی جذیمة بن عامر بن عبدمناة شدند (۱۰۴).

نتیجه غزوات و سرایا این شد که مسلمانان، سراسر حاشیه شرقی بحر قلزم (بحر احمر) که شامل حجاز و یمن است و قسمتی از خاک حضرموت و عربستان مرکزی را بدست آوردند و بر خاک عمان نیز دست پیدا کردند. (بنقشه شماره یک نگاه کنید).

۹۵ و ۹۶ و ۹۷ التنبیه والاشراف - ۲۳۸ .

۹۸ و ۹۹ التنبیه والاشراف - ۲۳۳

۱۰۰ و ۱۰۱ و ۱۰۲ و ۱۰۳ التنبیه والاشراف - ۲۳۳

۱۰۴ التنبیه والاشراف - ۲۳۴ .

تقسیمات اسلامی مسلمانان در ایران

■ امیرکبیر
 ■ عماد
 ■ مشایخ
 ■ سیریکه‌ها
 →



نقشه شاهزاده آید

سرزمین‌هایی که در ایام خلافت ابو بکر به متصرفات

اسلامی افزوده شد :

ابو بکر بن ابی قحافه روز دوازدهم ربیع الاول سنهٔ یازده هجری
بخلافت رسید. گروهی نظیر طلیحه بن خویلد الاسدی و اسود العنسی و مسیلمه
بن حبیب الحنفی و سجاح بنت حارث بمخالفت برخاستند ولی مأمورین
ابو بکر آنرا بجای خود نشانند.

سپس ابو بکر خالد بن ولید و مثنی بن الحارثه را برای فتح عراق فرستاد
ایشان بشهر «بانقیه» درآمدند و آنجا را فتح کردند و از آنجا به شهر
«کسکر» رفتند و آنجا را گشودند، پس از فتح این محل بایکی از سلاطین
محل بنام «جابان» روبرو شدند و او را شکست دادند از آنجا به «فرات
بادقلی» رفتند و از آنجا بسرزمین «حیره» درآمدند و پس از شکست نعمان
وارد «خورنق» شدند (۱۰۵).

سپس ابو بکر لشگریانی بسرکردگی یزید بن ابی سفیان
و عمرو العاص و ابو عینده بن الجراح و شرحبیل بن حسنة تجهیز کرد و
خالد بن ولید را نیز از عراق احضار کرد و با ایشان بجنگ رومیان بشام
فرستاد. سپاهیان مواضع «بصری» و «حوران» و «البثنیه» و «بلقاء» را
متصرف شدند. رومیان در دو محل یعنی «اجنادین» و «مرج الصفر»
باسپاهیان اسلام روبرو شدند و مسلمانان برایشان پیروز شدند و لشگریان
اسلام بدمشق رسیدند و این شهر را محاصره کردند و در همین ایام یعنی
بیست و دوم جمادی الاخره سنهٔ سیزده هجری ابو بکر در سن شصت

و سه سالگی دار فانی را بدرود گفت (۱۰۶).

وقایع مهم و قابل ذکر دوران خلافت ابوبکر را میتوان بشرح زیر نام برد: وقعة المذار، وقعة الولجة و وقایع الیس، امغیشیا، المقر و فم فرات بادقلی، سوانح حیره، وقایع انبار و کلاواذی و عین التمر منازعات دومة الجندل، حصید، خنافس و فراض و برموك (۱۰۷) پس از این جنگها که بیشتر سربازان اسلام در آنها فاتح بودند، ابوبکر توانست بر اراضی حصر موت و یمامه و بحرین و از شمال شبه جزیره عربستان تا حدود دمشق دست پیدا کند و از جنوب و مشرق و شمال به حدود متصرفات پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بیفزاید.



سرزمینهایی که در ایام خلافت عمر بن الخطاب

بمقصرات اسلامی افزوده شد:

عمر بن الخطاب در پیست و دوم جمادی الاخرة سنه سیزده هجری بمسند خلافت نشست ابتدا با بوعبیده که در شام بود نامه ای نوشت و دستورداد که او به «حمص» برود و آنجا را فتح کند. در این موقع شهر «دمشق» در محاصره بود و صاحب دمشق دروازه شهر را برای ابوعبیده گشود و شهر دمشق در رجب سنه چهارده بدست مسلمین افتاد. اردن نیز در همین ایام بدست سربازان اسلام افتاد عمرو بن العاص و خالد «بعلبک» و «ارض البقاع» را فتح کردند از اینجاست که سربازان ابوعبیده

۱۰۶ > التنبیه والاشراف - ۲۴۸

۱۰۷ > تاریخ طبری جزء نانی صفحات ۵۱۹ - ۶۱۲ تاریخ یعقوبی جزء

نانی صفحات ۱۰۶-۱۱۷ التنبیه والاشراف - صفحات ۲۴۷-۲۵۰

به «حمص» رفتند و شهر را در محاصره گرفتند اهالی شهر تسلیم شدند و قبول خراج کردند. سر بازان اسلام از «حمص» بدمشق آمدند عمر بن خطاب دو باره بایشان دستور پیشرفت داد سر بازان اسلام پس از پیشرفت با ماهان صاحب روم روبرو شدند، جنگ عظیمی در سینه پانزده هجری برپا شد و در میان شکست خوردند سپس اهالی حلب و قنسیرین و منبج قبول خراج کردند سپس عمر بن الخطاب نامه‌ای بابو عبیده نوشت و او را مأمور فتح بیت المقدس کرد (۱۰۸).

ستون دیگری از سر بازان اسلام بسر کردگی ابو عبیده بن مسعود نقفی بامثنی بن حارثة الشیبانی مأمور فتح عراق شدند؛ در محلی بنام «باروسما» با سر بازان ایران روبرو شدند سر بازان ایرانی شکست خوردند و «باروسما» بدست مسلمین افتاد گروه دیگری از مسلمین بسر کردگی جریر بن عبدالله بکوفه درآمدند و از آنجا خراج شدند و در وقایع «المذار» و «النخيلة» فاتح شدند. سعد بن ابی وقاص در این وقت بقادسیه درآمد عبته بن غزوان هم کوره‌های «دجله» و «وابله» و «ابرقباد» و «میسان» را گشود بالاخره مداین هم پس از یک ماه و نیم محاصره در سینه شانزده هجری بدست مسلمین فتح شد (۱۰۹).

عمرو بن العاص از عمر اجازه خواست تا به مصر لشکر کشد و آن نواحی را بتصرف در آورد؛ هنگامیکه در آخرین قسمت خاک فلسطین

۱۰۸ > تاریخ البیعوی جزء ثانی صفحات ۱۱۸ - ۱۲۰ تاریخ طبری جزء ثانی صفحات ۶۲۴ - ۶۳۰

۱۰۹ > تاریخ البیعوی جزء ثانی صفحات ۱۲۰ و ۱۲۴ تاریخ الطبری جزء ثانی صفحات ۶۳۰ - ۶۶۰ تاریخ طبری جزء ثالث صفحات ۱ - ۹۴ .

یعنی در «رفح» بود بریدی از عمر بن خطاب رسید. عمرو بن العاص از آن جا به قریه ای نزدیک «عریش» و از آنجا به «فرماه» و «امدین» در آمد و پس از سه ماه کشمکش به «اسه کنندریه» رسید، در اینجا هم قتل و غارت زیادی کرد (۱۱۰).

ابو عبیده بن جراح نیز بسرزمین جزیره در آمد و شهرهای «رقة» و «سروج» و «رها» و «نصبین» و سایر شهرهای جزیره را خراجگذاز کرد (۱۱۱).

سعد بن ابی وقاص از مدائن بهمرنامه نوشت و تمرکز قوای ایرانیان را در جلولا، بدو گوشزد کرد و در سنه شانزده هجری لشکریان ایران در جلولا، نیز شکست خوردند و یزدگرد باصفهان وری و طبرستان و مرو فرار کرد و بدست آسیابانی کشته شد و اوضاع داخلی ایران بسیار آشفته و درهم شد (۱۱۲).

در سنه بیست هجری هیسره بن مسروق العبسی بخاک روم وارد شد و در سال بیست و یک هجری نهانند فتح شد. عمرو بن العاص پس از فتح «برقه» به «طرابلس» افریقا رفت و آنجا را نیز بگشود «ودان» و «فزان» را سربازان اسلام گشودند و روی به «نوبه» آوردند

< ۱۱۰ > تاریخ یعقوبی جزء ثانی صفحات ۱۲۵ - ۱۲۶ - تاریخ طبری جزء

ثالث - ۱۹۵ - ۲۰۲

< ۱۱۱ > تاریخ یعقوبی جزء ثانی ۱۲۸ - تاریخ طبری جزء ثالث صفحات

۱۳۲ - ۱۴۲ - ۱۵۶ - ۱۶۱

< ۱۱۲ > تاریخ یعقوبی جزء ثانی - ۱۲۸ - ۱۲۹ - تاریخ طبری جزء ثالث

صفحات ۲۴۴ - ۲۴۹

ولی عده‌ای از لشکریان اسلام در «نوبه» بقتل رسیدند (۱۱۳).
 مغیره بن شعبه و بقولی هاشم بن عتبة بن ابی وقاص در سنه ۲۲ هجری
 آذربایجان را فتح کرد و اصطخر و اهواز بدست ابوموسی اشعری در سال
 ۲۳ گشوده شد و در همین سال عبدالله بن بدیل بن ورقا همدان و اصفهان
 را فتح کرد و ری بدست قرظة بن کعب الانصاری گشوده شد و عسقلان
 را معاویه بن ابی سفیان فتح کرد و حییب بن مسلمة الفهری بار مینیه
 روی آورد.

بلاخره عمر روز بیست و ششم ذی الحجة سنه بیست و سه هجری
 بدست ابولؤلؤ باخنجر مسمومی کشته شد در دوران خلافت خلیفه ثانی
 حدود متصرفات اسلامی از طرف مشرق با اصطخر و اصفهان و قم و همدان
 رسید و از طرف شمال به «اربل» و موصل و نصیبین و حلب ادامه پیدا کرد و از
 طرف مغرب بختاک مصر و سواحل شرقی بحر الروم پیش رفت (۱۱۴).

شوش و علوم ارتقی و مطالی و فرنگی

سرزمین هانی که در ایام خلافت عثمان بن عفان
 به متصرفات اسلامی اضافه شد :

عثمان بن عفان در بیست و نهم ذی الحجة سنه ۲۳ هجری
 خلیفه مسلمین شد. سران لشکرهای مسلمانان در جهات مختلف عالم
 به پیشرفت خود ادامه دادند. مغیره بن شعبه پس از فتح همدان بری
 رفته و ری را محاصره کرده بود. گروهی بر آنند که ری در سنه بیست

۱۱۳ تاریخ یعقوبی جزء ثانی صفحات ۱۳۳-۱۳۴
 ۱۱۴ تاریخ یعقوبی جزء ثانی صفحات ۱۳۴-۱۳۷ تاریخ طبری جزء ثانی
 صفحات ۲۲۳-۲۳۵ و صفحات ۲۵۱-۲۵۵

و چهار هجری یعنی در دوران خلافت عثمان بدست مسلمین افتاد عمرو بن العاص در سنه بیست و پنج اسکندریه را نیز فتح کرد (۱۱۵) و در همین سال عثمان بن ابی العاص ثقفی «سایور» را گشود (۱۱۶) و در سنه بیست و هفت هجری عبدالله بن سعد بن ابی سرح «افریقیه» را فتح کرد و عبدالله بن زبیر را برای رساندن خبر فتح بعثمان، بمدینه فرستاد و بالشکری بسرزمین «نوبه» رفت تا آنجا را بگشاید «قبرس» هم بدست معاویه بن ابی سفیان فتح شد (۱۱۷).

عثمان بن عفان ابو موسی اشعری را عزل کرد و عبدالله بن عامر را بجای او فرستاد. عبد الله به بصره در آمد و لشکریانی برای فتح «سایور» و «فسا» و «دارا بگرد» و «اصطخر» فرستاد لشکری که برای فتح اصطخر رفت بسر کردگی عبیدالله بن معمر التمیمی بود که بقتل رسید و عمر بن عبید الله جای او را گرفت و با پایداری تمام شهر اصطخر را فتح کرد و عبدالله بن عامر نیز با اصطخر در آمد. عبد الرحمن بن سمرة بسجستان رفت و با تحمل مصائب و سختیها «زرنج» را بگشود (۱۱۸).

هنگامی که عثمان ولایت بصره را بعبدالله بن عامر داد و سعید بن العاص را والی کوفه کرد بایشان نوشت: هر کدام زود تر خراسان را فتح کنید امیر آنجا خواهید شد یکی از دهقانان خراسان عبدالله

< ۱۱۵ > تاریخ یعقوبی جزء ثانی - ۱۴۱

< ۱۱۶ > < < ۱۴۲ -

< ۱۱۷ > < < ۱۴۳ - تاریخ طبری جزء ثالث - ۳۱۵

< ۱۱۸ > < < ۱۴۳ - ۱۴۴ - تاریخ طبری جزء ثالث -

۲۵۱ - ۲۵۷ - ۳۱۹

بن عامر را از راه کوتاهی به «قومس» برد و از آن جابه نیشابور رساند
 عبدالله در سنه ۳۰ نیشابور را فتح کرد و با اهالی طبرسین از در مصالحه
 در آمد و «ابر شهر» را بعد از محاصره بگشود و احنف بن قیس را
 به «هرات» و «مر و الروز» فرستاد. اهالی هرات از در اطاعت درآمدند و مر و
 الروز را با نیروی لشکریان فتح کرد و طالقان و فاریاب و طخارستان را
 بمتصرفات اسلامی افزود و تا از آب بلخ نیاشامید نزد عبدالله بن
 عامر بر نگشت عبدالله پس از تسلط بر این نقاط نزد عثمان برگشت
 خراسان را در این زمان بچهار قسمت کردند، قسمتی را بقیس بن المیثم
 سلمی و قسمتی را به راشد بن عمرو البجدیدی و قسمتی را به عمران بن
 الفصیل و قسمتی چهارم را به عمرو بن مالک الخزاعی دادند (۱۱۹).

امیر بن الأحمر الیشکری مأمور خراسان شد و بمر و در آمد ولی
 زمستان بدو مهلتی نداد تا کاری انجام دهد. عبدالله بن عامر هم به بصره
 برگشت و از آنجا بکرمان وارد شد. در کرمان قحطی سختی روی کرد
 و قیمت یک قرص نان بیک دینار رسید. قیس بن هیثم بن الصلت که بر ربیع
 از خراسان حکمران بود بطخارستان رفت و آنجا را فتح کرد عثمان بن
 عفان حبیب بن مسلمة الفهری را بایرمنستان فرستاد و او هم قسمتی از خاک
 ایرمنستان را فتح کرد. سلمان بن ربیعة الباهلی نیز حبیب بن مسلمة را
 در فتح ایرمنستان کمک کرد. (۱۲۰).

عثمان، سلمان بن ابی ربیعه را مأمور کرد تا تمام خاک ایرمنستان را

۱۱۹ > تاریخ یعقوبی جزء ثانی - ۱۴۴

۱۲۰ > تاریخ یعقوبی جزء ثانی - ۱۱۴ - ۱۱۵

فتح کند. سلمان؛ تا بیلقان پیش رفت و مردم این شهر با او از در مصالحه در آمدند از آنجا به «بردعه» رفت و ساکنان این شهر را خراجگذار کرد. و از آنجا به «شروان» و «لکز» و «شابران» و «فیلان» رفت و این مواضع را بگرفت. از رودخانه «بلنجهر» بگذشت و در آنطرف رودخانه باخاقان پادشاه «خزر» رو برو شد و قتالی سخت بین آن دولشگر در گرفت (۱۲۱).

عثمان جیشی بسر کردگی معاویه بقسطنطنیه فرستاد و این لشگر چند شهری را بتصرف در آورد. در سنه سی هجری سعید بن العاص مأمور فتح طبرستان شد. سعید از راه قومس بجرجان رفت تا «طمیسه» پیش راند و ساکنان آنجا را از دم تیغ گذراند و باقلعه نشینان قرار گذاشت که اگر در قلعه را بروی او بکشایند یک تن از ایشان را نخواهد کشت. ایشان هم در قلعه را گشودند و سعید غیر از یک تن تمام ایشانرا کشت. باینکه سعید با مردم اینجا صلح کرد ولی پس از چندی اهالی جرجان سر از مصالحه باز بیچیدند و کار را بجائی رساندند که از وحشت و ترس اهالی جرجان کسی را یسارای آن نبود که از راه قومس بخراسان رود (۱۲۲).

عثمان هم در هیجدهم ذی الحجه سنه سی و پنج هجری بقتل رسید و امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام بر مسند خلافت مسلمین نشست.

این نشانی است که در تاریخ طبری (۱۲۱) و (۱۲۲) در فصل اول و دوم آمده است.

۱۲۱۶ تاریخ یعقوبی جزء ثانی ۱۴۵.

۱۲۲۲-۴۰۶ تاریخ طبری جزء ثالث - ۳۲۳-۳۲۵.

حدود متصرفات مسلمانان در دوران خلافت

امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (ع)

چون امیر المؤمنین علیه السلام بخلافت رسید دست عمال عثمان را از شهرها کوتاه کرد و قثم بن عباس را والی مکه کرد و عبیدالله بن عباس را ایمن فرستاد و قیس بن سعد بن عباد را حاکم مصر کرد و عثمان بن حنیف را بحکومت «بصره» فرستاد.

از وقایع زمان امیر المؤمنین جنگ «جمل» در «خریبه» در جمادی الاولی سنه ۳۶ را میتوان ذکر کرد. معاویه هم در شام ادعای خلافت داشت. این وقایع و نظیر آنها کم و بیش اختلافی در امور خلافت و حکومت اسلامی بوجود آورد. امیر المؤمنین پس از اینکه سر و سامانی بجنگ جمل داد، جمده بن هبیره بن ابی وهب مخزومی را بخراسان فرستاد. و ماهویه، مرزبان مرودستور جمده را پذیرفت و قرار شد وظیفه و خراج را چنانکه در گذشته میدادند بپردازد (۱۲۳).

معاویه خاک شام را هم برای خود کافی نمیدانست و نامه هائی بساطراف من جمله عمال امیر المؤمنین مینوشت و ایشانرا به پشتیبانی خویش دعوت میکرد. خبر به امیر المؤمنین رسید که معاویه خود را برای جنگ و قتال آماده میکند. امیر المؤمنین از کوفه به مداین آمد و از آنجا به جزیره رفت. پس از گذشتن از «رقه» خیال داشت بجانب شرقی فرات رود، تا بصفین دست یابد. در ذی الحجه سنه ۳۶ معاویه را دعوت بانحاده و یگانگی کرد، معاویه نپذیرفت تا در سنه ۳۷ جنگ شروع شد

وچهل روز طول کشید تا پس از اینکه طرفداران معاویه قرآنرا بر سر نیزه کردند و حیل‌های دیگر بکار زدند و بپایه خلافت معاویه را محکمتر کردند. (۱۲۴).

امیر المؤمنین بکوفه برگشت و نامه‌هایی بعمل خود نوشت و ایشانرا فرا خواند و دستور داد آنچه از مال مسلمین با خود دارند بیاورند. امیر المؤمنین سر امر دوران خلافتش که از چهار سال و ده ماه تجاوز نکرد، صرف مخالفت با کارشکنان و مخالفان شد تا در نوزدهم رمضان سنه ۴۰ بدست عبدالرحمن بن ملجم شهید گشت (۱۲۵).



حدود متصرفات مسلمین در دوران بنی امیه :

معاویه بن ابی سفیان در ذی القعدة سنه چهل هجری در کوفه خلیفه مسلمین شناخته شد. از کوفه بشام رفت و بار و میان از در صلح در آمد حکومت بصره را به عبدالله بن عامر داد. عبدالرحمن بن سمرة بانفاق عبدالله بن خازم سلمی بخراسان رفتند و بلخ و کابل را فتح کردند معاویه عبدالله بن دراج را بحکمرانی عراق فرستاد (۱۲۶).

زیاد بن ابی سفیان بدستور معاویه، حکم بن عمر و الغفاری را والی خراسان کرد. حکم بن عمر و در سنه ۴۴ بخراسان روی آورد. ازهرات بگذشت و «جوز جهانان» را فتح کرد. مهلب در این جنگ با حکم بن عمر و بود و در سختگیری و شدت مشهور بود مردم «جوز جهانان»

(۱۲۴) تاریخ المقوی جزه ثانی - ۱۶۰-۱۶۶ .

(۱۲۵) < < ۱۸۴-۱۹۰ .

(۱۲۶) < < ۱۹۳- .

نیز در مقابل سر بازان اسلام بایذاری کردند ، قحط و غلاب شهر روی کرد و اهالی بخوردن چهار پایان افتادند . حکم بن عمر و در این وقت در گذشت و ربیع بن زیاد الحارثی جای او را گرفت . عبدالله بن عقبیل ثقفی در همین تاریخ خوارزم را بگشود (۱۲۷) .

حسن بن علی رضی الله عنه در ربیع الاول سنه ۴۹ هجری در گذشت و در همین سال معاویه پسر خود یزید را بولایت عهد بر گزید و او را با سفیان بن عوف الغامدی بجننگ روم فرستاد و ایشان تا قسطنطنیه پیش رفتند و در سنه ۵۰ معاویه عقبه بن نافع فهری را با فریقیه فرستاد آنجا را بگشود و در همین سال شهر «قیروان» را بساخت (۱۲۸) .

معاویه ابن سوار بن همام را مأمور هندوستان کرد ابن سوار به مکران در آمد و چند ماهی در آنجا بماند و بجننگ «قیقان» رفت . ابن سوار کشته شد و عده ای از سر بازان اسلام نیز از دم تیغ گذشتند . هابقی به مکران باز گشتند . زیاد ؛ سنان بن سلمة الهذلی را بمکران فرستاد . او هم در مکران بماند تا زیاد ، راشد بن عمرو و الجدیری را بجننگ «قیقان» فرستاد . راشد پس از قتل و خونریزی توانست بلاد سند و هند را تسخیر کند (۱۲۹) .

معاویه عبیدالله بن زیاد را بولایت خراسان و مغور هند بر گزید . عبیدالله بخراسان رفت ، پس از فتح بخارا رود خانه بلخ را قطع کرد و پس از قتل شدید این نواحی را فتح کرد (۱۳۰) .

(۱۲۷) تاریخ یعقوبی جزء ثانی - ۱۹۸ -

(۱۲۸) < < < ۲۰۴ -

(۱۲۹) < < < ۲۰۹ -

(۱۳۰) < < < ۲۱۱ -

معاویه سعید بن عثمان بن عفان را بنواحی خراسان مأمور کرد؛ سعید به بخارا رسید. ملکه بخارا «خاتون» با سعید از در مصالحه درآمد ولی زمانی نگذشت که با او بمخالفت برخاست. سعید هم با اهالی بخارا جنگ سختی کرد و آنجا را فتح کرد و روی بسمرقند آورد و شهر را در محاصره گرفت بالاخره اهالی دروازه شهر را برای او گشودند و سعید هم پس از فتح سمرقند نزد معاویه بازگشت. معاویه هم پس از نوزده سال و هشت ماه خلافت در نیمه رجب سنه ۶۰ هجری دار فانی را بدرود گفت (۱۳۱).

یزید بن معاویه بجای پدر برمسند خلافت نشست و سلم بن زیاد را بخراسان فرستاد، خوارزم را فتح کرد و باخیله «طرخون» را بکشت و سغد را متصرف شد. چون خبر مرگ یزید به سلم رسید، عبدالله بن خازم سلمی را بجای خود گذاشت و از خراسان بمرکز خلافت رفت. اوس بن ثعلبه بطالقان رفت و در جنگهایی که با اهالی طالقان و ترکان کرد فاتح شد. (۱۳۲).

در سنه شصت هجری مالک بن عبدالله بجنگ اهالی سوریه رفت و جناده بن ابی امیه داخل جزیره رودس شد و مرکز آنرا خراب کرد (۱۳۳). و در سنه ۷۸ مهلب بن ابی صفره والی خراسان شد، مهلب در خاک سغد تا «کش» پیش رفت و ملک سغد با او از در مصالحه درآمد. حجاج ثقفوی و هند را به سعید بن اسلم بن زرعه الکلابی سپرد. سعید

(۱۳۱) تاریخ یعقوبی جزء ثانی - ۲۱۱ و ۲۱۲ . (۸۲/)

(۱۳۲) < < < < - ۲۲۵ . (۸۲/)

(۱۳۳) تاریخ طبری جزء اربع - ۲۳۸ . (۸۲/)



- ← سبزپوشها
- ← دگرگنی و زلزله
- ← دگرگنی مسال و سجد
- ← دگرگنی عقیده بنایع

مسافت پانزده کیلومتر
 رسته شهرات

سودت پشیزها ۸۶

در مکران بماند و بجننگ قسمتی از هندرفت و در این جنگ کشته شد
حجاج، محمد بن هارون بن ذراع النمری را بجای او فرستاد محمد بن مکران در آمد
و در جنگهایی که در هند کرد همیشه فاتح بود. سپس با چندین کشتی
روی به «دبیل» آورد تا سلطان آنجا را سر کوبی کند ولی در این جنگ
کشته شد (۱۳۴).

حسان بن نعمان غسانی از طرف عبد الملك والی افریقیه شد
و در آنجا بماند تا بمرد عبد الملك در سنه ۷۷ موسی بن نصیر لخمی را بدانجا
فرستاد، موسی بیشتر خاک مغرب را فتح کرد و در دوران خلافت عبد الملك
در آنجا والی بود (۱۳۵).

محمد بن مروان در سنه ۷۵ بجننگ رومیان رفت و بكمك ابان بن
الولید بن عقبه بن معیط بسیاری از آنان را بکشت دینار بن دینار در «مرج
الشحم» که بین «ملطیه» و «مصیصه» است بایحیی بن حکم جنگ کرد.
در سنه ۷۷ ولید بن عبد الملك نیز در «ملطیه» جنگی کرد و حسان بن
نعمان فرمانده جنگهای بحری بود و عبدالله بن عبد الملك در سنه ۸۴
بارو میان جنگ کرد و «مصیصه» را فتح کرد و در آنجا قلعه ای بساخت
(۱۳۶) سنه ۸۱ عید الله بن عبد الملك «قالیقله» را فتح کرد (۱۳۷).

مفضل که با امر حجاج در سنه ۸۵ والی خراسان شد پس از اینکه

(۱۳۴) تاریخ یعقوبی جزء ثالث ۲۱-۲۲ تاریخ طبری جزء خامس-۱۳۵

۱۳۹ و ۱۶۰

(۱۳۵) تاریخ یعقوبی جزء ثالث - ۲۲

(۱۳۶) < < < < < ۲۶-۲۷. تاریخ طبری جزء خامس-

۱۸۵-۴۰

(۱۳۷) تاریخ طبری جزء خامس-۱۴۳

نه ماه از دوران حکمرانی او گذشت «بادغیس» را فتح کرد و از غنیمتی که بدست آورد بهر يك از سربازانش هشتصد درهم رسید و پس از آن «اخرون» و «شومان» را نیز گرفت (۱۳۸).

مسلمة بن عبد الملك با يزيد بن جبیر در سنه ۸۷ دره وضعی بنام «سوسنه» که از ناحیه «مصیصه» است با رومیان رو برو شد و پس از جنگ و خونریزی «حصن بولاق» و «حصن اخرم» و «حصن بولس» و «وقمقم» را فتح کردند در همین سال قتیبه برای گرفتن «بیکند» لشکر کشید (۱۳۹).

در جمادی الاخره سنه ۸۸ سربازان اسلام بسرکردگی مسلمة بن عبد الملك و عباس بن ولید بن عبد الملك یکی از قلاع رومیان را بنام «طوانه» متصرف شدند. در همین سال مسلمة بن عبد الملك دوباره بجنگ رومیان رفت و قلاع «قسطنطین» و «غزاله» و «اخرم» را تصرف کرد. در مشرق هم قتیبه «نومشکت» و «رامیشه» را بمتصرفات اسلامی افزود (۱۴۰). قتیبه پس از فتح بخارا و «رامیشه» از راه بلخ بازگشت و بفاریاب رسید نامه ای از حجاج رسید پس از خواندن نامه از راه بیابان به بخارا رفت و پس از ورود به خرقانه «سغلی» با جمعی رو برو شد و آنرا شکست داد، در سنه هشتاد و نه لشکریان اسلام بسرکردگی مسلمة بن عبد الملك «حصن سوریه» را فتح کردند و سپس «هرقله» و «قمودیه» را بگشودند عباس بن ولید هم «أذرولیه» را متصرف شد (۱۴۱).

(۱۳۸) تاریخ طبری جزء خامس - ۱۹۴

۲۱۸ - ۲

(۱۳۹) صفحات ۲۲۱ - ۲۲۲ - ۲۲۳ - ۲۲۶

(۱۴۰) تاریخ یعقوبی جزء ثالث - ۳۶

(۱۴۱) تاریخ طبری جزء خامس - ۱۹۴

در سال ۹۱ هجری مسلمانان بن عبدالملک بجنگ ترکان رفت و تا باب
الابواب پیش رفت و چندین شهر و قلعه را فتح کرد و موسی بن نصیر نیز در
مغرب جنگهایی کرد و چند شهر و قلعه را بگشود (۱۴۲) و در همین سال
قتیبه برای بار دوم بجنگ مردم «شومان» و «کس» و «نسف» رفت
(۱۴۳).

در سال ۹۲ مسلمانان بن عبدالملک و عمر بن ولید قلاع سه گانه ارض
الروم را فتح کردند و مردم «سوسنه» جلای وطن کردند و بارض روم
در آمدند. در همین سال طارق بن زیاد «اندلس» را بگشود.

در سنه نود و سه هجری عباس بن ولید «سهمسطیه» را که جزء ارض
الروم است بمتصرفات اسلامی افزود. مروان بن ولید نیز در جنگ باروم میان
تا «خنجره» پیش رفت و مسلمانان بن عبدالملک پس از لشکر کشی به ارض الروم
«ماسه» و «حصن الحديد» و «غزاله» و «برجمه» را که جزء ناحیه «ملطیه»
بودند جزء خاک اسلام آورد (۱۴۴).

موسی بن نصیر طارق را از پیش رفتن در خاک «اندلس» مانع شد و
بشهر «طلیطله» فرستاد. *رسال جامع علوم انسانی*
در سنه نود و چهار عباس بن ولید «انطاکیه» را فتح کرد و یزید بن ابی
کبشه در خاک سوریه پیش رفت و قاسم بن محمد تقی خاک هند را بمتصرفات
مسلمین افزود (۱۴۵).

(۱۴۲) تاریخ طبری جزء خامس صفحات ۲۳۵ و ۲۳۶ و ۲۳۷ - تاریخ یعقوبی
جزء ثالث - ۲۹

(۱۴۳) تاریخ طبری جزء خامس صفحات ۲۴۱ و ۲۴۲ و ۲۴۳

(۱۴۴) < < < < ۲۴۶-۲۴۷ و ۲۴۸

(۱۴۵) < < < < ۲۵۷-۲۵۸

سال نود و پنج نیز سال پیشرفت مسلمین بود عباس بن ولید بن عبدالملك در ارض الروم «طولس» و «مرزبانین» و «هرقله» را بگشود و خاک هندتا «کیرج» و «مندل» بحدود متصرفات مسلمین افزوده شد و قتیبة بن مسلم «شاش» را فتح کرد (۱۴۶).
 و در همین سال قتیبة بن مسلم «کاشغر» را فتح کرد و با مردم چین بجهنگ پرداخت (۱۴۷).
 و در سال ۹۶ هجری که سلیمان بن عبدالملك بر مسند خلافت بود مسلمة بن عبدالملك حصن عوف را از قلاع «ارض روم» بگشود (۱۴۸).
 و در سال ۹۷ خلیفه یعنی سلیمان بن عبدالملك جیوشی به قسطنطنیه فرستاد و سرکردگی ابن نیرو را به پسر خود داود داد این لشکر توانست «حصن المرآة» را تسخیر کند. مسلمة بن عبدالملك نیز در «ارض روم» پیشرفت‌هایی کرد عمرو بن هبیره فزاری هم در دریای «ارض روم» به پیشرفت‌هایی نائل شد (۱۴۹).
 در سال ۹۸ سلیمان بن عبدالملك برادر خود مسلمة بن عبدالملك را به «قسطنطنیه» فرستاد و با دستور داد که در آنجا بماند و سراسر این خاک را فتح کند. در همین سال شهر «صقالیه» فتح شد. ولید بن هشام و عمرو بن قیس با مردم انطاکیه جهنگ کردند یزید بن مهلب، جرجان و طبرستان و دهستان را با جهنگ‌های سخت و خونریزی فراوان بگشود (۱۵۰).

(۱۴۶) تاریخ طبری جزء خامس - ۲۶۴-۲۶۳

(۱۴۷) < < < ۲۶۸ - ۷

(۱۴۸) < < < ۲۸۵ - ۷

(۱۴۹) < < < ۲۸۶ - ۷. تاریخ یعقوبی جزء ثالث - ۴۲.

(۱۵۰) < < < ۳۰۴ - ۲۹ - ۷. تاریخ یعقوبی جزء ثالث - ۴۳.

در سال ۱۰۳ هجری عباس بن ولید بارو میان جنگ کرد و شهر
 «رسله» را بگشود (۱۵۱) در سنه ۱۰۴ جراح بن عبدالله حکمی که امیر
 ارمنیه و آذربایجان بود با ترکان جنگ کرد و «بلنجر» و قلعه نزدیک
 باین محل را فتح کرد (۱۵۲) و سال بعد شهرها و قلاعی که آنطرف خاک
 بلنجر بود بگشود و غنیمت بسیاری بدست آورد و مسلم بن سعید با اهالی
 شهر «افشین» که از شهرهای سفد است جنگ کرد و با ایشان
 مصالحه کرد (۱۵۳) و در سال ۱۰۷ اسد بن عبدالله بجنگ اهالی غر شستان
 رفت. سلطان غر شستان از در مصالحه در آمد و قبول دین اسلام کرد و
 در همین سال اسد بغور که کوهستان هرات باشد رفت و با اهالی آنجا
 جنگ کرد (۱۵۴). در سال ۱۰۸ مسلمه بن عبدالملک از خاک روم
 تا «قیساریه» پیش رفت و این شهر را بگشود. ابراهیم بن هشام هم یکی
 از قلاع رومیان را فتح کرد. اسد بن عبدالله نیز در مشرق میخواست
 «ختلان» را بگیرد موفق نشد به «قوادیان» در آمد و از مردم آنجا شکست
 خورد و این ترانه را از ختلان آمدی - برو تپاه آمدی - بیدل فراز آمدی
 کودکان محل برای شکست او میخواندند (۱۵۵).

در سال ۱۰۹ عبدالله بن عقبه بن نافع فهری فرمانده جیشی بود که
 در بحر الروم بجنگ پرداختند و معاویه بن هشام قلعه «طیبه» را

(۱۵۱) تاریخ طبری جزء خامس ۳۶۰.

(۱۵۲) < < < ۳۶۸ - تاریخ یعقوبی جزء ثالث - ۵۴.

(۱۵۳) < < < ۳۷۳.

(۱۵۴) < < < ۳۸۸.

(۱۵۵) < < < ۳۸۹ - تاریخ یعقوبی جزء ثالث - ۵۴.

از سرزمین رومیان فتح کرد (۱۵۶).

در سال ۱۱۰ مسلمة بن عبد الملك بانرکان جنگ کرد و «الآن»
را فتح کرد و معاویة بن هشام موضع «صمالة» را از خاک روم تسخیر

کرد و عبدالله بن عقبه الفهری هم در دریای روم پیشرفت‌هایی کرد (۱۵۷).

در سال ۱۱۲ معاویة بن هشام «خرشنة» و «فرندیه» را که جزء

«ملطیه» بود فتح کرد. (۱۵۸).

در سال ۱۱۳ مسلمة بن عبد الملك شهرها و قلاعی را در خاک خاتان

ترك بگرفت و پسر خاقان را بکشت و بر آنطرف کوه‌های «بلنجر» دست

یافت (۱۵۹).

در سال ۱۱۴ معاویة بن هشام و سلیمان بن هشام برای فتح اراضی

روم لشکر کشیدند. معاویة بن هشام تا «اقرن» پیش رفت و سلیمان هم

خود را به «قیساریه» رساند. (۱۶۰).

در سال ۱۱۹ ولید بن قعقاع عبسی در خاک روم جنگ‌های کرد

و اسد بن عبدالله در مشرق در خاک «ختل» قلعه «زغر زک» را فتح کرد و تا

«خداش» پیش راند و با خاقان ترك رو برو شد و او را بکشت و جمع کثیری

از اطرافیان او را از دم شمشیر گذراند (۱۶۱).

در سال ۱۲۰ - سلیمان بن هشام بن عبد الملك در خاک روم «سندره»

(۱۵۶) تاریخ طبری جزء خامس - ۳۹۱

(۱۵۷) < < < ۳۹۷-

(۱۵۸) < < < ۴۱۰-

(۱۵۹) < < < ۴۲۴-

(۱۶۰) < < < ۴۲۵-

(۱۶۱) < < < ۴۴۳-

را فتح کرد و اسحاق بن مسلم عقیلی قلاع تو مان شاه را فتح کرد و سرزمین
اورا خراب کرد (۱۶۲).

در سال ۱۲۱ مسلمان بن هشام بن عبد الملك نیز در خاک روم به
پیشرفت‌هایی نائل آمد نصر بن سیار نیز از صفحات ما و راه النهر سه بار تاخت
و تاز کرد و در دفعه سوم «کورصول» را بکشت (۱۶۳).

در سال ۱۳۲ محمد بن اشعث به «افریقیه» روی آورد پس از خونریزی
زیاد آنجا را فتح کرد (۱۶۴).

در سال ۱۳۹ عبدالرحمن بن معاویه بن هشام بن عبد الملك بن
مروان باندلس رفت و بر آنجا دست یافت (۱۶۵).

در سال ۱۴۳ روح بن حاتم و خازم بن خزیمه وارد خاک طبرستان
شدند (۱۶۶).

در سال ۱۴۴ محمد بن ابی العباس بن عبدالله بن محمد بن علی
امیر المؤمنین بجهنگ مردم دیلم رفت (۱۶۷).

در سال ۱۴۹ عباس بن محمد و حسن بن قحطبه و محمد بن اشعث
بجهنگ رومیان رفتند و محمد بن اشعث در راه بمرد و بمقصد نرسید (۱۶۸).

در سال ۱۵۴ معیوف بن بهیمی الحجوری برای جنگ رومیان رفت

(۱۶۲) تاریخ طبری جزء خامس ۴۶۴ و ۴۶۵

(۱۶۳) < < ۴۸۱ و ۴۹۲

(۱۶۴) < جزء سادس - ۱۱۲

(۱۶۵) < < ۱۴۴ -

(۱۶۶) < < ۱۵۴ -

(۱۶۷) < < ۱۵۵ -

(۱۶۸) < < ۲۸۵ -

و شبانه بقلعه ای در آمد و ساکنان آنجا را اسیر کرد و غنیمت بسیار بدست آورد و از آنجا به «لاذقیه» رفت و آنجا راهم بگشود (۱۶۹)

در سال ۱۵۵ - یزید بن حاتم افریقیه را فتح کرد و ابوعاد و ابوحاتم را بکشت و یزید بشهر «قیروان» در آمد (۱۷۰).

در سال ۱۵۹ عباس بن محمد بجنک روم میان رفت و توانست خود را به «انقره» برساند (۱۷۱).

در سال ۱۶۲ یزید بن اسید سلمی قلاع سه گانه «قالیقله» را بگشود و اسیر و غنیمت زیاد بدست آورد (۱۷۲).

در سال ۱۶۵ هارون بن محمد المهدی مأمور جنگ با رومیان شد و «ماجده» و «لقیته» را فتح کرد و هارون تا خلیج دریای روم که نزدیک قسطنطنیه است پیش رفت (۱۷۳).

در سال صد و هشتاد و یک هجری هارون الرشید بجنک روم میان رفت و قلعه «صفصاف» را فتح کرد. عبدالملک بن صالح نیز مأمور جنگ

با روم شد و تا «انقره» رسید (۱۷۴). مأمور از آنجا در راه

در سال ۱۹۰ هجری هارون الرشید «هرقله» را در خاک روم فتح کرد و جیوش و سرایای متعدد بنحاک روم فرستاد و سراحیل بن معن بن زائده «حصن صقالبه» و «دبسه» را گشود و یزید بن مخلد «صفصاف» و «ماقوییه» را

(۱۶۹)	تاریخ طبری جزء سادس - ۲۹۶			
(۱۷۰)	< < < < < ۲۹۷			
(۱۷۱)	< < < < < ۰۳۵۲			
(۱۷۲)	< < < < < ۰۳۷۳			
(۱۷۳)	< < < < < ۰ ۳۸۰ و ۳۷۹			
(۱۷۴)	< < < < < ۰ ۴۷۰			

تسخیر کرد. حمید بن معیوف که در این هنگام والی سواحل بحر شام تا خاک مصر بود «قبرس» را گرفت بیشتر نقاط روم در این زمان خراجگذار شدند و مصالحه نامه‌ای بین رشید و نقفور پادشاه روم نوشته شد (۱۷۵).

در سنه ۲۰۱ هجری عبدالله بن خرد اذبه که والی طبرستان بود «ارز» و «شیزر» را که از خاک دیلمان بود با نقاط کوهستانی طبرستان بمتصرفات اسلامی افزود (۱۷۶).

جبال مازندران آخرین قسمتی از خاک ایران بود که بدست مسلمین افتاد. در آخر قرن دوم حدود متصرفات عالم اسلام از مشرق بسره‌حدات چین و حدود کشور هند رسید و از شمال بیاوراء النهر و خوارزم و قفقاز و دریای سیاه و حدود متصرفات دولت روم شرقی و در مغرب هم صاحب تمام شمال افریقا و خاک اسپانیا و عده زیادی از جزایر بحر الروم شده بودند پیشرفت‌هایی که سر بازان اسلام در قرون بعد پیدا کردند بسیار ناچیز بود شاید بتوان از متصرفات آنان در شبه جزیره اناطولی ذکری کرد در این مختصر از ذکر جنگ‌هایی که اهمیت زیاد نداشت و یا در آنها فتح و پیشرفتی نصیب سر بازان اسلام نشد صرف نظر کردیم زیرا ذکر آنها باعث اطاله کلام بود. گذشته از این از بیشتر جنگ‌ها و منازعاتی که در آنها سر بازان مسلمان شکست خورده اند ذکری بمیان نیامد.

مصر: کمی وقت و مشغله‌های دیگر نگارنده باعث شد که این مختصر
 (۱۷۵) تاریخ طبری جزء سادس - ۵۱۰
 (۱۷۶) پیشه - ۱۴۰

ناقص و نارسا گردد از اینرو از خوانندگان گرامی بپوشش میطلبد و امیدوار است در شماره بعد این مجموعه در این زمینه مقاله‌ای بهتر و کاملتر بنظر علاقه‌مندان برساند.

تهران ۷ اسفند ۱۳۴۷

منوچهر ستوده

درس‌هایی از

مکتب اسلام

جای بسی خوشوقتی است که در این چند ماهه اخیر اقدام مفید و مؤثر تبلیغاتی توسط جمعی از فضایی قم بعمل آمده و نشریه ای که در آن مطالب لازم و مهم مذهبی مورد بحث قرار میگیرد تحت عنوان «درس‌هایی از مکتب اسلام» بطور ماهانه منتشر میشود دیداست جامعه اسلامی بانتشارات مذهبی متنوعی که بصورت کتاب و مجله و روزنامه منتشر گشته و در آنها حقایق دینی و احتیاجات معنوی و اخلاقی و فکری جامعه مورد بحث قرار گیرد احتیاج مبرم دارد و حسن استقبالیکه از ماهنامه مکتب اسلام و هم از نشریه سالانه مکتب تشیع بعمل آمده، کاشف از علاقه و احتیاج شدید جامعه بانتشارات مذهبی است.

مابدینوسیله این اقدام اساسی و ابتکار مفید را بمتصدیان و نویسندگان محترم مکتب اسلام تبریک عرض کرده و امیدواریم بیش از پیش بتوسعه آن موفق گردند و هم بعموم برادران مسلمان توصیه مینمائیم که باتر و بیج و تهیه این مجموعه بنشر معارف اسلامی خدمت کنند. مکتب تشیع